

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۳۰ سپتمبر ۲۰۱۸

[درس عشق]

دل آن باشد که آرامی ندارد	به جز یاد دلآرامی ندارد
خجالت می کشم از یاد یاری	که با من خط و پیغامی ندارد
به آن مهوش نگردم یار هرگز	که دارد سیب و بادامی ندارد
مرا دلدار گفت آیم به سویت	زمان و وقت و ایامی ندارد
به شب می خوابم آسوده به جایی	که دیوار و در و بامی ندارد
چه معشوق است آن معشوق یاران	که از خود رندی بدنمی ندارد
نمی آید خوشم آن ماهروئی	که در هر کوچه بدنمی ندارد
نکوروی است اما دلربا نیست	که بر رو دانه و دامی ندارد
گذر کن از دبستان محبت	که درس عشق انجامی ندارد
نگارا عشقیریت بی سواد است	که شرح حال و ارقامی ندارد